



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام باقر عليه السلام
و فریق و مذاہب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام باقر علیه السلام و فرق و مذاهب

نویسنده:

ماهنامه کوثر

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام باقر علیه السلام و فرق و مذاهب
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	خوارج
۷	جبریه و مفوضه (اشاعره و معتزله)
۸	غلات
۹	مرجئه
۹	صوفیه
۹	مشبیه
۱۰	اهل قیاس
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام باقر علیه السلام و فرق و مذاهب

مشخصات کتاب

ماهنامه کوثر، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۶۲

برگرفته از:

اشاره

پیدایش فرقه‌های انحرافی، مسئله‌ای بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن هشدار داده و با تعیین محوریت امامان معصوم علیهم السلام، برای رفع این خطر اقدام نموده بود. اینک به بعضی از این جریان‌های فکری منحرف در زمان امام باقر علیه السلام اشاره می‌کنیم:

خوارج

خوارج، گرچه پس از جنگ نهروان به شدت تضعیف شدند؛ ولی با گذشت زمان، به تجدید قوا پرداخته، هوادارانی یافته و بعدها به شورش‌ها و حرکت‌های اجتماعی دامن زدند. یکی از میدان‌های رویارویی امام باقر علیه السلام با اندیشه‌های منحرف، موضع‌گیری‌های آن حضرت، با مشی خوارج بود. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: به این گروه مارق (خوارج) باید گفت: چرا از علی علیه السلام جدا شدید؟ با این که شما مدتها سر در فرمان او داشتید و در رکابش جنگیدید و نصرت او زمینه‌ی تقرب شما را به خداوند فراهم می‌آورد. آنها خواهند گفت: امیرمؤمنان علیه السلام در دین خدا حکم قرار داده است! (در جنگ با معاویه، حکمیت را پذیرفته است). به آنان باید گفت: خداوند در شریعت پیامبر علیه السلام حکمیت را پذیرفته و آن را به دو مرد از بندگانش وانهاده است، آنجا که فرموده: «فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما»؛ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده‌ی شوهر، و یک داور از خانواده‌ی زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است). [۱]. از سوی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جریان بنی قریظه، برای حکمیت، سعد بن معاذ را برگزیده و او به آنچه مورد امضا و پذیرش خداوند بود، حکم کرد. به خوارج باید گفت: آیا شما نمی‌دانید که وقتی امیرمؤمنان علیه السلام حکمیت را پذیرفت، به افرادی که حکمیت به عهده‌ی آنان نهاده شد، فرمان داد تا بر اساس قرآن حکم کنند و از حکم خداوند فراتر نروند و شرط کرد که اگر حکم آنها خلاف قرآن باشد، آن را نخواهد پذیرفت؟ زمانی که کار حکمیت به ضرر علی علیه السلام تمام شد، برخی به آن حضرت گفتند: کسی را بر خود حکم ساختی که علیه تو حکم کرد! امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود: من به حکمیت کتاب خدا تن دادم، نه به حکمیت یک فرد، تا نظر شخصی خودش را اعمال کند! اکنون باید به خوارج گفت که در کجای این حکمیت، انحراف از حکم قرآن دیده می‌شود، با اینکه حضرت به صراحت اعلام کرد که: حکم مخالف قرآن را رد می‌کند! [۲]. در روایتی دیگر آمده است: فردی از خوارج مدعی بود که علی علیه السلام در جنگ نهروان به خاطر کشتن خوارج، گرفتار ظلم شده است. وی می‌گفت: اگر بدانم که در پهنه‌ی زمین کسی هست که برای من ظالم نبودن علی علیه السلام را ثابت کند، به سویش خواهم شتافت. به او گفتند که از میان فرزندان علی علیه السلام شخصی چون ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام می‌تواند به تو پاسخ دهد. وی که از سردمداران خوارج بود، گروهی از

بزرگان یارانش را گردآورد و به حضور امام باقر علیه السلام رسید. به امام باقر علیه السلام گفته شد: اینان برای مناظره آمده‌اند. حضرت فرمود: اکنون باز گردند و فردا بیایند. فردای آن روز، امام باقر علیه السلام فرزندان مهاجر و انصار را گردآورد و گروه خوارج نیز حضور یافتند. امام باقر علیه السلام با حمد و ستایش خداوند، سخن آغاز کرد و پس از شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سپاس خدا را که با اعطای نبوت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، ما خاندان را کرامت بخشید و ولایت خویش را به ما اختصاص داد. ای فرزندان مهاجر و انصار! در میان شما هر کس فضیلتی از امیرمؤمنان علیه السلام می‌داند، بایستد و بگوید! حاضران هر یک ایستادند و در فضیلت علی علیه السلام سخن‌ها ایراد کردند. با این زمینه و فضایی که امام باقر علیه السلام پدید آورد، آن مرد، که بزرگ خوارج آن محفل به شمار می‌آمد، از جای برخاست و گفت: من به فضایل و ارزش‌های علی علیه السلام بیش از این جمع آگاهم و روایت‌های بیشتری می‌دانم؛ ولی اینها مربوط به زمانی است که علی علیه السلام هنوز حکمیت را نپذیرفته و با پذیرش حکمیت کافر نشده بود! سخن در فضایل علی علیه السلام به حدیث خیبر رسید، آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: لأعطينَ الرايةَ غداً رجلاً يحبُّ اللهَ ورسولهَ وحبَّه اللهَ ورسولهَ كزاراً غيرَ فزارٍ لا يرجع حتى يفتح الله على يديه؛ فردا پرچم را به دست فردی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند، بر دشمن هماره می‌تازد و هرگز از میدان نبرد نمی‌گریزد. او از رزم باز نمی‌گردد، مگر با پیروزی و فتح خیر. در این هنگام امام باقر علیه السلام به آن مرد رو کرد و فرمود: درباره‌ی این حدیث چه می‌گویی؟ خارجی گفت: این حدیث حق است و شکی هم در آن نیست؛ ولی کفر پس از این مرحله پدید آمد! امام باقر علیه السلام فرمود: آیا آن روز که خداوند علی علیه السلام را دوست می‌داشت، می‌دانست که او در آینده اهل نهروان را خواهد کشت یا نمی‌دانست؟ آن مرد گفت: اگر بگویم خدا نمی‌دانست، کافر شده‌ام پس ناگزیر باید اقرار کنم که خداوند می‌دانسته است! امام باقر علیه السلام فرمود: آیا محبت خدا به علی علیه السلام از آن جهت بوده که وی در خط اطاعت خدا حرکت می‌کرده یا به خاطر عصیان و نافرمانی بوده است؟ مرد گفت: بدیهی است که دوستی خداوند نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جهت اطاعت و بندگی وی بوده، نه عصیان و نافرمانی (در نتیجه محبت خداوند به علی علیه السلام بیانگر این است که آن حضرت تا پایان عمر در راه اطاعت خدا گام نهاده و هرگز از مسیر رضای او بیرون نرفته و آنچه انجام داده وظیفه‌ی الهی او بوده است). سخن که به اینجا رسید، امام باقر علیه السلام به آن مرد فرمود: اکنون، تو در میدان مناظره مغلوب شدی! برخیز و مجلس را ترک کن! مرد برخاست و در این حال آیه‌ای از قرآن را که بیانگر آشکار شدن حق برای او بود، زمزمه می‌کرد و اظهار می‌داشت: «الله اعلم حيث يجعل رسالته» [۳].

جبریه و مفوضه (اشاعره و معتزله)

مجبوره کسانی هستند که می‌گویند: انسان هیچ‌گونه اختیاری از خود ندارد و همه اعمال او مستقیماً توسط خداوند انجام می‌شود. نقطه‌ی مقابل این گروه مفوضه هستند که می‌گویند: انسان بدون هیچ‌گونه دخالتی از ناحیه‌ی خداوند اعمال خود را انجام می‌دهد. بدیهی است که هر دو نظریه مردود است؛ بلکه نظریه‌ی صحیحی که از جانب اهل بیت علیهم السلام مطرح شده «امری بین این دو امر» است؛ یعنی خداوند قدرت و اختیار را به انسان‌ها عنایت فرموده و انسان‌ها با توانایی که خداوند عنایت کرده به انجام کارها می‌پردازند. هر دو گروه فکری (مجبوره و مفوضه) در زمان امام باقر علیه السلام جریان داشت و حضرت در پاسخ جبر مطلق و تفویض مطلق فرمود: لطف و رحمت الهی به خلق، بیش از آن است که آنان را به انجام گناهان مجبور سازد و سپس ایشان را به خاطر کارهایی که به اجبار انجام داده‌اند، عذاب کند. از سوی دیگر خداوند قاهرتر و نیرومندتر از آن است که چیزی را اراده کند و تحقق نیابد. از آن حضرت سؤال شد: مگر میان جبر و اختیار، جایگاه سومی وجود دارد؟ امام باقر علیه السلام فرمود: آری! میان جبر و اختیار (مطلق) فضایی به گستره‌ی آسمان و زمین است. [۴].

غلات

سومین جریان فکری نا سالم در عصر امام باقر علیه السلام جریان «غلو» است. ضعف فرهنگی جامعه، همواره دو نتیجه‌ی تلخ را به همراه دارد: افراط و تفریط! برخی از مردم تحت تأثیر محیط و شگردهای تبلیغی بنی امیه، تا آنجا از خاندان رسالت فاصله گرفتند که به ایشان توهین کرده و ناسزا می گفتند. در مقابل، گروه دیگری به انگیزه‌ی موضع گیری علیه حکومت بنی امیه و یا انگیزه‌های دیگر، در تعظیم جایگاه اهل بیت علیهم السلام تا آنجا پیش رفتند که امامان معصوم علیهم السلام ناگزیر با آنان به مواجهه و مبارزه پرداختند و این همان جریان غلو بود. در روایتی از امام صادق علیه السلام، هفت تن به عنوان عناصر فرصت طلب و دروغ پرداز، معرفی شده اند: ۱. مغیره بن سعید ۲. بیان ۳. صائد ۴. حمزه بن عماره بربری ۵. حارث شامی ۶. عبدالله بن عمرو بن حارث ۷. ابوالخطاب. [۵]. هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: مغیره بن سعید از روی غرض ورزی بر پدرم (امام باقر علیه السلام) دروغ می بست. یاران مغیره در جمع اصحاب امام باقر علیه السلام حاضر می شدند و نوشته‌ها و روایات را از ایشان می گرفتند و به مغیره می رساندند. او در لابلای آن نوشته‌ها، مطالب کفرآمیز و باطل می افزود و به امام باقر علیه السلام نسبت می داد و آنان را امر می کرد تا آن مطالب را به عنوان آرای امام علیه السلام در میان شیعه رواج دهند. بنابراین آنچه از مطالب آمیخته به غلو در روایات امام باقر علیه السلام دیده شود، افزوده‌های مغیره بن سعید است. [۶]. امام باقر علیه السلام از وجود چنین عناصر ناسالمی، کاملاً آگاهی داشت و در هر فرصت به افشای چهره‌ی آنان و انکار بافته‌های ایشان می پرداخت. آن حضرت درباره‌ی مغیره فرمود: آیا می دانید مغیره مانند کیست؟ مغیره مانند بلعم است که خداوند در حق وی فرمود: «...الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها فاتبعه الشیطان فکان من الغاوین» [۷]؛ ما آیات خود را به او عطا کردیم؛ ولی او به عصیان گرایید و پیرو شیطان گشت و در زمره‌ی گمراهان قرار گرفت. [۸]. «بیان» از دیگر چهره‌های افراطی و غالی است. او تا بدانجا به انحراف گرایید که مدعی نبوت و رسالت شد. [۹]. امام باقر علیه السلام درباره‌ی او فرمود: خداوند لعنت کند بیان تبن [۱۰] را؛ زیرا وی بر پدرم (علی بن الحسین علیه السلام) دروغ می بست. من شهادت می دهم که پدرم بنده‌ی صالح خدا بود. [۱۱]. در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام نقل شده است: خداوند! من از مغیره بن سعید و بیان به درگاه تو تبری می جویم. [۱۲]. حمزه بن عمار بربری، از دیگر منحرفانی است که تحت لوای اعتقاد به امامت علی و ائمه علیهم السلام به تحریف دین پرداخته است. او اهل مدینه بود. وی محمد بن حنفیه را تا مرتبه‌ی الوهیت بالا برد و گروهی از مردم مدینه و کوفه پیرو او شدند. امام باقر علیه السلام از او تبری جست و وی را لعنت نمود. [۱۳]. ابومنصور عجلی، افراطی دیگری است که در عصر امام باقر علیه السلام با افکار غلوآمیز و آرای ساختگی خود، پیروانی برای خویش گردآورد که با نام «منصوریه» یا «کسفییه» [۱۴] شهرت یافتند. امام باقر علیه السلام ابومنصور را به طور رسمی طرد نمود؛ ولی وی پس از وفات آن حضرت، مدعی شد که امامت از امام باقر علیه السلام به وی منتقل شده است. [۱۵]. برخی از این غالیان تلاش می کردند تا امام باقر علیه السلام را مهدی موعود معرفی کنند؛ ولی حضرت در رد آنان فرمود: گمان می کنند که من مهدی موعودم؛ ولی من به پایان عمر خویش نزدیک ترم تا به آنچه ایشان مدعی هستند و مردم را به آن می خوانند. [۱۶]. امام باقر علیه السلام در مورد انتخاب میانه روی به شیعیان فرمود: ای گروه شیعیان! میانه رو باشید تا تندروان از تندروی خویش نادم شوند و به شما اقتدا نمایند و جویندگان راه و حقیقت به شما ملحق گردند. یکی از یاران حضرت سؤال کرد: غالیان چه کسانی هستند؟ امام علیه السلام پاسخ داد: غالیان کسانی اند که به ما اوصاف و مقاماتی را نسبت می دهند که خودمان آن اوصاف را برای خویش قائل نشده ایم! آنان از ما نیستند و ما هم از ایشان نیستیم! سپس حضرت ادامه داد: به خدا سوگند! ما از سوی خدا برائت و آزادی مطلق به همراه نداریم و میان ما و خدا خویشاوندی نیست و بر خداوند حجت و دلیلی در ترک تکلیف و وظائف نخواهیم داشت. ما به خداوند تقرب نمی جویم؛ مگر به وسیله‌ی اطاعت و بندگی او. پس هر یک از شما که مطیع خداوند باشد، ولایت و

محبت ما به حال او ثمر بخش است و کسی که اهل معصیت باشد، ولایت ما سودی به حالش نخواهد داشت. هان! دور باشید از گول زدن خویش و گول خوردن به وسیله ی غالیان! [۱۷].

مرجه

چهارمین نحله ی انحرافی در عصر امام باقر علیه السلام «مرجه» اند. آنان عقیده دارند که: اقرار قلبی به شهادتین کافی است و التزام عملی به احکام اسلامی لازم نیست و هر حاکمی که اقرار به شهادتین نمود، همگان باید از او اطاعت نمایند. بدیهی است که چنین طرز تفکری مورد استقبال همه ی دنیا پرستان و شهوت پرستان قرار می گیرد. حامیان این فکر در زمان ما کسانی هستند که مبنای خود را بر «تساهل و تسامح» قرار داده اند. روایاتی که در بیان حقیقت ایمان وارد شده و ایمان را به اقرار به لسان و اعتقاد در قلب و عمل به ارکان تقسیم می کند، در رد گمان مرجه است. امام باقر علیه السلام به عمرو بن قیس فرمود: ای پسر قیس! پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: لایزنی الزانی و هو مؤمن و لایسرق السارق و هو مؤمن؛ [۱۸] زانی و سارق، مؤمن نیستند!

صوفیه

متصوفانی همچون محمد بن منکدر، طاووسی، ابن ادهم و... در عصر امام باقر علیه السلام، اوقات خود را صرف عبادت نموده و دست از کار و تلاش کشیده و خویشان را بر مردم تحمیل می نمودند. محمد بن منکدر می گوید: باور نداشتم علی بن الحسین علیه السلام فرزندی به یادگار گذارد که فضل و دانشش مانند خود او باشد، تا اینکه پسرش محمد بن علی علیه السلام را دیدم. من خواستم او را موعظه کنم؛ ولی او مرا اندرز داد! یارانش به او گفتند: به چه چیز تو را موعظه کرد؟ او گفت: من در زمانی که هوا بسیار گرم بود به سوی محلی از اطراف مدینه بیرون رفتم. در راه به محمد بن علی علیه السلام برخورددم. او مردی تنومند و فربه بود. دیدم او بر دو غلام خود تکیه زده و مشغول کار است! با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم، با این حال برای به دست آوردن مال دنیا بیرون آمده! هم اکنون او را موعظه خواهم کرد! پس نزدیک رفته، سلام کردم و او هم چنان نفس زنان و عرق ریزان جواب سلام مرا داد. به او گفتم: خدا، کارت را اصلاح کند، بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم، با این حال برای طلب دنیا بیرون آمده! اگر اکنون مرگ تو برسد و در این حال باشی چه خواهی کرد؟ آن حضرت دست از دوش آن دو غلام برداشته، روی پا ایستاد و فرمود: به خدا، اگر مرگم در این حال فرا رسد، در حال فرمانبرداری و طاعت خداوند هستم که بدین وسیله نیازمندی خود را از تو و از مردم دور می سازم. من آنگاه از مرگ می ترسم که بر من در آید و من در حال نافرمانی و معصیتی از معصیت های پروردگار باشم. من (محمد بن منکدر) که این پاسخ را از او شنیدم گفتم: خدا تو را رحمت کند! من خواستم تو را موعظه کنم؛ اما تو مرا اندرز دادی. [۱۹].

مشبهه

از پیروان فرقه های منحرف دیگر، کسانی بودند که خدا را شبیه مخلوقین می دانستند. از این جهت آنان را مشبهه می گویند. امام باقر علیه السلام در رد این گروه فرمود: انه واحد صمد، احدی المعنی. لیس بمعان کثیره مختلفه [۲۰]؛ همانا او یکتایی بی نیازی است که همگان به او نیازمندند. او حقیقتی است بسیط و یگانه و در او حقایق متعدد و مختلف وجود ندارد. محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: برخی از مردم عراق معتقدند که خداوند با چیزی می شنود و با چیز دیگر می بیند. امام علیه السلام فرمود: دروغ گفته و ملحد شده اند! آنان خداوند بزرگ را به دیگران تشبیه نموده اند. او شنوایی بیناست؛ با همان چیز که می بیند، می شنود و با همان چیز که می شنود، می بیند. محمد بن مسلم به امام باقر علیه السلام عرض کرد: برخی از مردم عراق

گمان می‌کنند که بینایی خداوند بر چیزی است که آن را درک کرده و تعقل نماید! حضرت فرمود: اندیشه، فکر و تعقل از ویژگی‌های مخلوق است و خداوند از صفات مخلوق مبرا است.

اهل قیاس

تفکری بسیار خطرناک که در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام تولد یافت و زمینه‌ی بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات عملی گردید، مسئله‌ی عمل به قیاس (مقایسه‌ی احکام خدا با یکدیگر) و استحسان بود. بازگشت این دو امر، در حقیقت به عمل نظر شخصی و سلیقه‌ای در دین خدا و خروج از دستورالعمل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. مبتکر قیاس، ابوحنیفه بود و بعد از او پیروانش آن را گسترش دادند. امام باقر علیه السلام در پاسخ این تفکر فرمود: انَّ السُّنَّةَ لَا تَقَاسُ وَ كَيْفَ تَقَاسُ السَّيِّئَةُ وَ الْحَائِضُ تَقْضَى الصِّيَامَ وَ لَا تَقْضَى الصَّلَاةَ؛ [۲۱] سنت و احکام شرعی از طریق قیاس، قابل شناخت نیست. چگونه می‌توان قیاس را ملاک قرار داد با اینکه زن حائض پس از دوران حیض می‌بایست روزه را قضا کند؛ ولی قضای نماز بر او واجب نیست (با اینکه اهمیت نماز در اسلام بیشتر است). حضرت در سخنی دیگر به زرارۀ سفارش فرمود: یا زرارۀ اَیَاکَ وَ اصْحَابَ الْقِیَاسِ فِی الدِّینِ. فَانْهَمُ تَرْکُوْا عِلْمَ مَا وَکَلُوْا بِهِ وَ تَکَلَّفُوْا مَا قَدْ کَفُوْهُ، یَتَأَوَّلُوْنَ الْاِخْبَارَ وَ یَکْذِبُوْنَ عَلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ [۲۲] ای زراره! از کسانی که در کار دین به قیاس پرداخته‌اند بپرهیز؛ زیرا آنان از قلمرو تکلیف خود تجاوز کرده‌اند. آنان آنچه را می‌بایست فراگیرند، کنار نهاده و به چیزی پرداخته‌اند که به آنها واگذار نشده است. روایات را به ذوق خود تجزیه و تحلیل کرده و تأویل می‌کنند و بر خدا دروغ می‌بندند. آن حضرت می‌فرمود: ادنی الشَّرک ان یتد الرجل رأياً فیحب علیه و یبغض علیه؛ [۲۳] کمترین مرتبه شرک این است که شخصی نظریه‌ای را از پیش خود (بدون حجت شرعی) بنیان نهد و همان نظر را ملاک حب و بغض و داوری‌ها قرار دهد. محمد بن طیار از اصحاب امام باقر علیه السلام می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: آیا تو با مردم به بحث می‌پردازی؟ گفتم: بلی. امام فرمود: آیا هرچه از تو می‌پرسند تو به هر حال پاسخی در قبال آنان ارائه می‌کنی؟ گفتم: بلی. حضرت فرمود: پس در چه زمینه سکوت کرده و علم و دانش واقعی آن را به اهلش (اهل بیت علیهم السلام) ارجاع می‌دهی؟! [۲۴]. در این بیان، امام علیه السلام به محمد بن طیار یادآور شد که: هیچ فردی جز معصومین علیهم السلام نباید خود را در مرحله‌ای فرض کند که می‌تواند به اتکاء رأی و اندیشه‌ی خود، همه پرسشها را پاسخ دهد و آنجا که نتوانست، به تمثیل و تشبیه و قیاس متکی گردد؛ بلکه انسان مؤمن باید همواره در مسائل مبهم به مفسران واقعی قرآن و اهل بیت رسالت علیهم السلام رجوع نماید.

باورقی

[۱] نساء / ۳۵ (ترجمه آیه‌الله مکارم شیرازی).

[۲] الاحتجاج، احمد بن علی الطبرسی (قرن ۶)، ج ۲، ص ۱۷۴، دارالاسوه.

[۳] اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۸، ص ۳۴۹، دارالکتب الاسلامیه.

[۴] همان، ج ۱، ص ۲۲۱، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.

[۵] اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۵۷۷، موسسه آل البیت.

[۶] همان، ص ۵۹۰.

[۷] اعراف / ۱۷۵.

[۸] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۲، المكتبة العلمیة الاسلامیة.

[۹] فرق الشیعة، نوبختی (قرن سوم)، ص ۳۴، المكتبة المرتضویة.]

- [۱۰] تبان، به معنی علاّف و گاه فروش است.
- [۱۱] رجال، کشی، ج ۲، ص ۵۹۰.
- [۱۲] الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۵، ص ۳۲۱.
- [۱۳] فرق الشيعه، ص ۲۷.
- [۱۴] كسفيه نامیده می شدند، چون می گفتند: انّ علیاً هو الكسف الساقط من السماء.
- [۱۵] فرق الشيعه، ص ۳۸.
- [۱۶] سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، ج ۵، ص ۳۴۶، دارالفکر.
- [۱۷] اصول کافی، ج ۲، ص ۷۵، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۸] همان، ص ۲۸۵.
- [۱۹] الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۵۹، انتشارات علمیه اسلامیة.
- [۲۰] اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰۸.
- [۲۱] المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۱، ص ۳۳۸، المجمع العالمی لأهل البيت (ع).
- [۲۲] بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۰۹، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۳] همان، ص ۳۰۴.
- [۲۴] همان، ص ۳۰۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

